



راز جنک های شاهنامه



سرشناسه	:	کمالی، محمد رضا، ۱۳۴۷
عنوان و نام پدیدآورنده	:	راز جنگ های شاهنامه / مولف: محمد رضا کمالی ویراستار: اکرم ظهور پرواز
مشخصات نشر	:	مشهد: مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب.
مشخصات ظاهری	:	۳۵۲ ص
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۴۷۶-۱۴۳-۷
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
موضوع	:	فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه - جنگ
شناسه افزوده	:	اکرم ظهور پرواز، ۱۳۵۰- ویراستار
رده‌بندی کنگره	:	۱۳۹۷ ک ۹ ج/ PIR۴۴۹۷
رده‌بندی دیوبی	:	۸۱۶/۲۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۲۰۰۸۰۷



نام کتاب	راز جنگ های شاهنامه
مولف	محمد رضا کمالی
ویراستار	اکرم ظهور پرواز
ناشر	مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب
طراح و صفحه آرا	حامد منصوریان
نوبت چاپ	اول ۱۳۹۷
قطع	وزیری
شمارگان	۱۰۰۰ نسخه
قیمت	۳۰۰۰۰ تومان
چاپ	معین
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۷۶-۱۴۳-۷

مرکز پخش: مشهد، خیابان امام خمینی، جنب اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی
 بازارگانی: ۰۵۱)۳۲۲۸۱۴۱۰) سفارشات: ۰۵۱)۳۲۲۸۳۴۲۲) دفتر نشر: ۰۵۱)۳۲۲۸۰۱۶۷)
 Web site - www.zarihaftab.ir Email - zarihaftab@gmail.com

«حق چاپ محفوظ است»

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۸	پیشگفتار

فصل اول - جنگ‌های کین خواهی

۲۰	۱) نبرد فریدون و ضحاک به کین خواهی جمشید
۴۷	۲- جنگ منوچهر با سلم و تور به کین خواهی ایرج
۶۷	۳) نبرد نوذر و افراسیاب به کین خواهی خزروان و شماساس
۸۰	۴- نبرد زال و خزروان
۸۷	۵) نبرد رستم و افراسیاب به کین خواهی سیاوش
۱۰۷	۶- جنگ‌های پراکنده سپاه ایران و توران
۱۰۷	الف) نبرد بیژن و پلاشان
۱۱۱	ب) نبرد بیژن و تراو
۱۱۶	ج) شبیخون پیران بر سپاه ایران
۱۲۲	۷- نبرد سپاه ایران به سپهسالاری توس با سپاه توران
۱۲۸	۸- نبرد هماون (بین سپاه ایران و توران به کین خواهی سیاوش)
۱۴۶	۹- نبرد رستم با کاموس کشانی
۱۴۹	۱۰- نبردهای رستم با پهلوانان سپاه خاقان چین
۱۴۹	الف) نبرد رستم و چنگش
۱۵۱	ب) نبرد رستم و هومان
۱۵۷	ج) نبرد رستم و شنگل
۱۶۵	د) نبرد رستم با انبوه سپاه توران و چین
۱۶۸	هـ) نبرد سپاه ایران با کافور
۱۷۰	و) نبرد رستم و فولادوند
۱۷۵	ز) نبرد رستم و اکوان دیو

۱۷۹	(۱۱) جنگهای داستان دوازده رخ
۱۸۳	الف) نبرد بیژن و هومان
۱۸۸	ب) نبرد بیژن و نستیهن
۱۸۹	ج) نبرد گودرز و پیران
۲۰۶	(۱۲) جنگ بزرگ کیخسرو و افراسیاب

فصل دوم - جنگ‌های نام و ننگ

۲۳۸	۱) نبرد رستم و سهراب از دیدگاه رستم
۲۳۸	الف - شروع داستان و نحوه آشنایی رستم و تهمینه
۲۴۱	ب - انگیزه سهراب در جنگ با ایران
۲۴۶	ج - انگیزه رستم از نبرد با سهراب
۲۵۲	۲) نبرد فریبرز کاووس با تورانیان (نبردهای بهرام)
۲۶۶	۳) نبرد رستم و اشکبوس
۲۷۵	۴) نبرد رستم و پهلوانان ایرانی با توران پس از آزادسازی بیژن
۲۸۰	۵) نبرد رستم و اسفندیار از دیدگاه رستم

فصل سوم - جنگ‌های وطن‌خواهی و محافظت از تاج و تخت

۲۹۸	۱) جنگ گیو با پیران و دلیران توران
۳۱۱	۲) جنگ بیژن و گرازان
۳۱۶	۳) شبیخون رستم بر افراسیاب

فصل چهارم - جنگ‌های غرور و خودخواهی و عناد با پادشاه

۳۲۰	۱) نبرد ضحاک و جمشید
۳۲۹	۲- نبرد طوس و فرود (مخالفت طوس با فرمان پادشاه)
۳۴۷	در پایان باید گفت
۳۴۹	فهرست منابع و مأخذ

مقدمه

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد
 خداوند نام و خداوند جای خداوند روزی ده رهنمای
 (۱-۲)

شاهنامه فردوسی که به عنوان حماسه ملی ایران شهرت یافته، اثری گرانقدر و عظیم است که فقط با غور در آن می‌توان به عمق داستانهای آن پی برد. درعین حال باید اعتراف کرد که پی بردن به راز داستانهای آن کاری بس دشوار است که نیاز به مطالعه و تامل فراوان دارد.

بخش عمده شاهنامه به نبرد میان دو نیروی خیر و شر اختصاص دارد که شامل جنگهای ایرانیان و تورانیان - که عمده نبردهای شاهنامه را شامل می‌گردد - جنگهای پهلوانان با نیروهای اهریمنی و شیطانی، جنگهای تن به تن میان پهلوانان، هفت خانها و... که هر کدام از این نبردها دارای اسرار و رموز فراوانی است. که برای پی بردن به آنها دقت و مطالعه فراوان لازم است.

نگارنده در پرداختن به این موضوع سعی کرده است تا حد ممکن این اسرار و رموز را مورد بررسی قرار داده و حاصل بررسی خویش را با عنوان «راز جنگ‌های شاهنامه» به خوانندگان محترم عرضه نماید. این تحقیقات تنها در پرداختن به علل وقوع جنگها خلاصه نمی‌گردد بلکه علت وقوع هر جنگ تنها بخشی از این بررسی را شامل می‌شود، و قسمت اعظم بحث به رمز و رازهایی فراتر از علل وقوع اختصاص می‌یابد؛ تعارض و تضادهایی که در هر نبرد به چشم می‌خورد، نیروهای مرموزی که در جنگ دخالت غیر مستقیم دارند، علل ظاهری و پنهانی جنگها، و... موضوعاتی است که در بررسی راز جنگها به آنها پرداخته می‌شود.

در این کتاب ابتدا بحث مختصری پیرامون حماسه و اسطوره فراهم آمده که باتوجه به دشواری این بحث سعی شده است، حتی المقدور توضیح کوتاهی به دور از تفصیل در این مورد ارائه گردد. نبردهایی که در این مجال به بررسی

آنها پرداخته شده، فقط مربوط به دوران اساطیری و حماسی شاهنامه است. و از بررسی جنگهای دوره تاریخی به دلیل گسترده شده بحث خودداری شده است. به منظور سهولت در بررسی و تدوین ابتدا هرکدام از جنگها براساس علل وقوع آنها در یکی از فصلهای تعیین شده قرار گرفته، و سپس به بحث و بررسی درمورد هر نبرد پرداخته شده است. برخی از جنگها را از چنددیدگاه می توان مورد بررسی قرار داد. به عنوان نمونه؛ نبرد رستم و اسفندیار، اگر از دیدگاه اسفندیار موردبررسی قرار گیرد انگیزه دین بهی و حتی کسب تاج و تخت در آن نمود پیدا می کند. اما در این کتاب این نبرد از دیدگاه رستم، در عنوان بندی و فهرست قرار گرفته است و باید گفت از دیدگاه رستم هیچ انگیزه ای جز دوری از ننگ و کسب نام وجود ندارد بنابراین در فصل دوم «جنگهای نام و ننگ» قرار گرفته است البته در متن و هنگام بررسی داستان، انگیزه اسفندیار نیز در این نبرد مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است.

همانطور که پیش از این بیان گردید، دستیابی به کنه مطالب شاهنامه، جز با مطالعه فراوان و دقت و تأمل عمیق میسر نمی گردد. نگارنده برای دستیابی به این اسرار بسیاری از منابع و مآخذی را که در مورد شاهنامه نگاشته شده، و دسترسی به آنها خالی از زحمت نبوده مطالعه نموده و به نقد و بررسی مطالب آنها پرداخته است. و شاهنامه نیز به عنوان منبع اصلی همیشه پیش رو بوده است که گاه برای دستیابی به این اسرار، مجبور بوده داستانی را چند بار مطالعه نماید. از جمله داستان جنگ بزرگ (نبرد کیخسرو و افراسیاب).

شاهنامه یک جلدی که نشر قطره آن را از روی نسخه شاهنامه چاپ مسکو در یک جلد منتشر نموده به عنوان منبع اصلی مورد استفاده قرار گرفته است. و ابیاتی که در متن کتاب آمده از این نسخه برداشت شده و ارجاعات براساس همین منبع است. عدد سمت چپ نمودار صفحه و عدد سمت راست شماره ابیات را نشان می دهد.

به عنوان مثال ابیاتی که در ابتدای همین بحث آمده، به این شکل ارجاع

داده شده (۲-۱،۱) یعنی صفحه یک ابیات یک تا دو.

در پایان کتاب فهرست منابع و مآخذ براساس نام کتاب یا مجله و به ترتیب حروف الفبا ارائه گردیده است. که نحوه استفاده از این منابع به دو شکل بوده است؛ یا برداشت کامل از متن، یا مفهوم متن که برداشت نگارنده از آن مطلب است. امید است، با ارائه این کتاب گامی هرچند کوچک در راه معرفی آثار ادبی گذشتگان که در بردارنده فرهنگ و تمدن بزرگ و اصیل قوم ایرانی است برداشته و به عنوان یکی از کارشناسان ارشد این رشته دین خود را به زبان وادب فارسی ادا نموده باشم.

در پایان خود را موظف می‌دانم که قدردان زحمات بی‌دریغ استادان و معلمان خود باشم. که در این راه با راهنماییهای خردمندان و مشفقانه خویش چراغ راه فراسوی این حقیر داشتند، تا پس کوجهای از این مسیر پر پیچ و خم ادب پارسی را پیموده باشم.

والسلام

محمد رضا کمالی - خرداد ماه ۱۳۹۷



پیشگفتار حماسه

شاید از نگاه عامه مردم حماسه مترادف با جنگ باشد. و یا آن را به مفهوم دلاوریها و زور آزماییهای همراه با جوانمردی بدانند. شاید حماسه اینها را هم دربر بگیرد. اما فقط همین نیست. ممکن است حماسه همیشه همراه با جنگ و نبرد نباشد. به هر حال برای روشن شدن موضوع، برخی از ویژگیهای کلی راکه درهر حماسه باهر ملیتی امکان بروز آن وجود دارد، برمی‌شمیریم تا تعریف حماسه معلوم گردد:

الف) درهر حماسه ملی، انسانهای آرمانی وجود دارد. که تجلیگاه آرمانها و آرزوهای ملت خویش هستند هر قوم و ملتی با توجه به ویژگیهای فرهنگی و اعتقادی خود، یک سری آرمانها و آرزوهای مشترکی دارند. که این اعتقادات در آن انسان حماسی، یا بهتر بگوییم جهان پهلوان جمع می‌شود. بعنوان مثال هر انسانی آرزوی عمر طولانی، و بی‌مرگی دارد. به همین خاطر شخصیتهای حماسی هر حماسه، دارای عمری طولانی هستند. مانند رستم، جهان پهلوان شاهنامه و کاملترین انسان حماسی که فردوسی او را در ذهن خود پرورش داده و ساخته است. جهان پهلوان هر حماسه باید تا حد یک ابرمرد ارتقاء و تعالی یابد. هر مشکلی را حل نماید و شکست ناپذیر باشد.

«در پهلوان برتر شاهنامه عشق و عاطفه، پاسداری از دوستی و رفاقت، و دردمندی و مویه‌گری در سوگ عزیزان، همگی ابعاد حماسی دارند. زال را بنگریم با عشق و عواطف پرشورش، رستم را با مهرش نسبت به امثال سیاوش و حتی اسفندیار، تأثرش از زیبایی، افغان و ویله کردنش در مرگ سیاوش، سهراب و اسفندیار.

ویژگی دیگری را هم باید در نظر داشت، که کردار و رفتار پهلوان بدون آن نمود دلپسندی ندارد آن صداقت و صمیمیت است.»

پهلوان مورد نظر هر ملت، باید شخصی مستقل باشد، که آنچه را که درست

تشخیص می‌دهد عمل نماید. نباید عاملی بی‌اراده و سست و حقیر و بی‌ارزش در اختیار شاه و قوای حاکم باشد. چون مردم از چنین پهلوانی بیزارند. و چنین شخصی هرگز در ذهن آنها جای نخواهد گرفت. اگر رستم در برابر سبکسریها و بی‌خردیهای کاووس موضع می‌گیرد و می‌ایستد، و آشکارا از او انتقاد می‌کند و در برابر اصرار و پافشاری اسفندیار برای بستن دستهایش مقاومت می‌کند و تاحد مرگ براین اعتقاد خود پایدار می‌ماند به سبب همین خصلت پهلوانانه اوست.

پهلوان باید دقیق و پیش بین باشد. نمونه‌ای از این دقت و درایت را در رستم به هنگام آوردن کیقباد از البرزکوه می‌بینیم. به خاطر اینکه کشور در گرما گرم مبارزه و نبرد با تورانیان بدون شاه مانده، رستم همه امور مملکتی و جنگی را با سرعت و دقت تدارک و تمهید کرده، بدون اینکه چیزی از دیده‌ی تیزبین و دقیق او به دور مانده باشد.

ب) در هر حماسه یک عنصر نیرومند ذهنی، خواه اعتقادی و آیینی و ماوراء جهان مادی و خواه اخلاقی و سیاسی، و حتی گاه تاریخی باید وجود داشته باشد که به آرایش حماسی آن، مفهوم ویژه و خاصی بخشد. مثلاً حماسه ملی ایران براساس عنصر ذهنی خود، که اعتقاد به نبرد طولانی میان نیکی و بدی است، شکل گرفته. و در تمام آثار حماسی ملی ایران این نبرد میان نیکی و بدی است، که منشاء اصلی شکل‌گیری حماسه می‌گردد. در شاهنامه فردوسی که با ارزش‌ترین اثر حماسی ایران است، همیشه سپاه ایران در اردوگاه نیکی است و سپاه توران در اردوگاه بدی. فردوسی براساس همین محور است که به طرح پیشینه تاریخی قوم ایرانی پرداخته است.

ج) در هر حماسه، علاوه بر وجود انسان آرمانی، و عنصر ذهنی، وجود سفرهای مخاطره‌آمیز نیز ضروری و لازم است، که این سفرها برای پهلوان که همان انسان حماسی است روی می‌دهد. گاه این سفرها، اساس حرکت و مبارزه قهرمان است. که پهلوان داستان همراه با همین سفرها معرفی می‌شود و

پرورش می‌یابد و به‌ذهن خواننده راه می‌یابد و اعتبار کسب می‌کند. یاینکه قسمتی از رویدادها و حوادث زندگی قهرمان و پهلوان به این سفرها بستگی دارد. مانند هفت خانهایی که فردوسی در شاهنامه به آنها پرداخته است، و رستم و اسفندیار به عنوان دو شخصیت مهم و برجسته شاهنامه، پس از گذراندن این هفت مرحله است که به عنوان کاملترین شخصیت‌های حماسی شاهنامه معرفی می‌شوند. همچنین رفتن کاووس به مازندران و آن خطرانی که در مسیر مازندران گریبانگیر او می‌گردد.

د) در هر حماسه علاوه بر موارد فوق، رویدادهای ناگوار و پرخطر و خارق‌العاده رزمی و گاه حتی عاشقانه‌روی می‌دهد که نشانگر روحیه و کنش پهلوانی است. مثلاً عشق زال نسبت به رودابه، که این عشق نیز عشق حماسی است و سخن گفتن آن دو با یکدیگر نیز به شکل حماسی بیان شده است. پس حماسه فقط جنگ و نبرد و زورآزمایی نیست، بلکه گاهی ارتباط عاشقانه عاشق و معشوق نیز نوعی حماسه است. زال در اولین دیدار خود با رودابه، به کمک کمند گیسوی رودابه است که از دیوار قلعه بالا رفته، خود را به معشوق می‌رساند.

حماسه را به چند اعتبار می‌توان مورد بررسی قرار داد. از نظر موضوع، مکان شکل‌گیری، نحوه شکل‌گیری و... ما در اینجا حماسه را از نظر نحوه شکل‌گیری، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) حماسه‌های طبیعی و ابتدایی

این بخش از حماسه از ابتدا با عنوان داستان یا سرودهای شفاهی و ابتدایی شناخته شده است، که سرایندگان آن معمولاً گمنام هستند. و این سروده‌ها معمولاً به وسیله نقالها و به صورت شفاهی، از نسلی به نسلی منتقل شده است. پس از طی روزگار زیاد، در برخی موقعیتهای خاص، به شکل مکتوب ثبت شده‌اند و به تدریج به حماسه‌های مدون ادبی تبدیل شده‌اند. حماسه فردوسی از این نوع حماسه‌هاست، که از قدیم سینه به سینه نقل شده و در بعضی دوره‌ها و به سفارش برخی از حکام به نثر نوشته شده‌اند. و سپس

توسط فردوسی، براساس روایت‌های شفاهی و سینه به سینه و یا از روی قسمتهایی که در اختیار داشته، سروده است.

«این بخش از حماسه، در آغاز و مرحله پیدایش خود، با عنوان داستان - سروده‌های شفاهی یا بدوی شناخته شده است. که میراث سرایندگان گمنام است: و گزارش آنها معمولاً از سوی راویان و خنیاگران دوره‌گرد، صورت پذیرفته است و تنها پس از طی روزگارانی، و در برخی حالات، به نوشته درآمده است و به تدریج به حماسه‌های مدون ادبی تبدیل شده است.^۲»

ب) حماسه‌هایی که زاییده ذهن شاعر و داستان پرداز است.

از همان ابتدا به صورت مکتوب پدید می‌آید و سابقه ذهنی به گونه‌ای که سینه به سینه نقل شده باشد، ندارد. این گونه از حماسه‌ها اعم از اینکه تاریخی باشند، یا غیر تاریخی، یا تقلید از حماسه‌های کهن است، که به صورت طبیعی به وجود آمده‌اند، و یا بدون اینکه بر یک محور وحدت‌بخش استوار باشد، فقط دارای نوعی مضمون و گرایش حماسی است و این نوع حماسه‌ها، معمولاً اشعار و یا نوشته‌هایی ادبی است، که بنابر مقتضای زمان خویش و یا در موارد خاص شکل حماسی به خود گرفته‌اند. مانند حمله حیدری که منظومه‌ای است حماسی، که در شرح جنگ‌ها و دلاوری‌های حضرت علی (ع) است، اثر بازل شهدی، و یامانند شهین‌شاه‌نامه صبای کاشانی که در شرح جنگ‌های فتح‌علی شاه قاجار با سپاه روس سروده شده، و منظومه‌ای حماسی تاریخی است. که از صلابت و استواری چندانی هم برخوردار نیستند.

در شاهنامه، این حماسه ملی ایران، شخصیت‌های حماسی زیادی مشاهده می‌شود. که از آن میان رستم، زال، گودرز، گیو، بیژن، بهرام، سیاوش، پیران و یسه، افراسیاب، اسفندیار، فرامرز و فریبرز شهرت بیشتری یافته‌اند. واز بین آنها رستم سرآمد همگان است، بارزترین چهره دوران پهلوانی شاهنامه، رستم است. او پرورده ذهن فعال فردوسی است. ثمره زندگی اوست. همچون فرزند خویش او

را عزیز می‌دارد. بخش حماسی شاهنامه مدیون وجود رستم است. اصولاً زندگی حماسه در آثار ادبی فارسی با شاهنامه آغاز می‌شود، هر چند پیش از شاهنامه فردوسی آثار و نوشته‌هایی از داستان‌های حماسی کهن ایرانی، و همچنین داستان‌هایی شفایی وجود داشته، اما زندگی واقعی حماسی با شاهنامه آغاز می‌گردد. و در شاهنامه نیز زندگی حماسه با شخصیت زال شروع می‌شود. زال زندگی حماسی ایران را با رودابه آغاز می‌کند. سرنوشت حماسه سرنوشت اوست. هر چند زال در ابتدای تولد، با جامعه در تعارض و تضاد است و جامعه او را نمی‌پذیرد. اما شخصیت اصلی حماسه از وجود زال نشأت می‌گیرد و رستم است که به زندگی معنوی حماسه در وجود زال وجود مادی می‌بخشد.

«اگر زندگی حماسه با زال آغاز شده است، واقعیت مادی نیروی زال را باید در رستم جستجو کرد. آغاز و انجام رستم، آغاز و انجام زال نیز هست، این آغاز و انجام اسطوره‌ای است که نیروی روحانی و مادی چون زال و رستم را اینگونه با سیمرغ آمیخته است. تبدیل نیروی معنوی زال به نیروی مادی رستم، و تعیین یافتن ذهن در حیات این آدم خاکی، به خودی خود دشوار است. فعلیت یافتن اندیشه و تخیل و برآورده شدن آرزو، گویی بی‌دخالته نیرویی غیرطبیعی میسر نیست، پس سیمرغ عامل این تبدیل و فعل‌پذیری آرمان، می‌گردد و برای زایش رستم چاره می‌اندیشد و زال را در مواجهه با واقعیت ملموس حیات حماسه، یاری می‌دهد.»^۲

زال شخصیتی است حماسی، که در ارتباط با عناصر اسطوره پا به عرصه هستی نهاده است. و حالا برای اینکه، این عنصر معنوی حماسه به عنصر مادی بدل گردد، نیازمند، نیرویی مافوق ماده و بشر است، و آن نیرو همان سیمرغ است. زال می‌خواهد زندگی حماسی خویش را آغاز کند. سرآغاز این زندگی حماسی تولد رستم است. با تولد رستم تمام عناصر و عوامل اساطیری و حماسی که در ماجرای تولد و پرورش زال نقش داشته‌اند، گرد می‌آیند و